

توسعه برای ادامه‌ی سیستم کیوتو تلاش می‌کردند، ولی کشورهایی که تحت اهداف کاهش‌ی کیوتو بودند، رغبتی برای ادامه آن نداشتند؛ چراکه آن‌ها نمی‌خواستند تحت محدودیت باشند. در حالی که ایالات متحده، چین و سایر اقتصادهای اصلی معاف هستند و در عوض حامی روشی جهانی‌تر بودند. (Bodansky, 2016, p. 5) توافق پاریس نقطه‌ی عزیمتی بود که این استراتژی از سیاست اقلیمی بین‌المللی را به سمت پذیرش و پیروی از پروتکل کیوتو می‌کرد؛ که اهداف مطلق و کاهش نشر با دامنه‌ی اقتصادی داشت؛ و فقط تعداد محدودی از کشورهای صنعتی را ملزم به محقق ساختن این اهداف می‌کرد. در مقابل طرح پاریس اشعار می‌دارد که کشورهای توسعه‌یافته باید پیشرو باشند، ولی نمی‌توانند مشکل تغییر اقلیم را به‌تنهایی مرتفع کنند. بنابراین چالش کلیدی، چگونگی رسیدن کنفرانس کنوانسیون تغییرات اقلیمی سازمان ملل به هدف نهایی خود از طریق سهم منصفانه و عادلانه بوده و هست. اعضای دولتی، سازمان‌های غیردولتی و سازمان‌های بین‌المللی گستره‌ی وسیعی از روش‌ها را برای تعیین اهداف کاهش نشر و مسئولیت کاهش بر دو پایه‌ی «مؤثر بودن» و «عادلانه بودن» پیشنهاد کردند. به‌هرحال رسیدن به این هدف، نیازمند یک معادله‌ی پیچیده و وسیع، شامل تعهدات دقیق مشارکت جهانی و برآوردن آن‌ها است. (Streck et al, 2016, p. 26) استریک و همکاران (۲۰۱۶) همچنین اظهار می‌دارند که با توافق پاریس، مذاکرات اقلیمی بین‌المللی اکنون هرگونه تلاش برای دسته‌بندی کشورها و تخصیص اهداف کاهش انتشار مشخص به آن‌ها را متوقف کرده است. در عوض به شکل انحصاری بر سهم کاهش داوطلبانه استوار است. ازاین‌رو کنفرانس پاریس چرخشی در استراتژی‌های توزیعی محسوب می‌شود. اگرچه مسئله‌ی تغییر اقلیم با نامطمئنی‌هایی همراه شده است، اما اکثر کشورها بر سر سه قضیه توافق دارند: تغییر اقلیم درحال رخداد است و این اتفاق در بخش‌هایی، نتیجه‌ی فعالیت‌های بشر است؛ دوم آن‌که تغییر اقلیم مسئله‌ی مهمی است و باید به آن پرداخته شود و سوم آن‌که این مشکل نمی‌تواند به‌صورت یک‌جانبه حل شود.